فرد مرموزی که رئیس جمهور چین از او حرف شنوی دارد

«وانگ کیشان» شهردار سابق پکن، به یکی از نزدیک ترین مقامات سیاسی به رئیس جمهور چین، تبدیل شده است. به طوری که «شی» از او حرف شنوی زیادی دارد و دیگر اطرافیان رئیس جمهور نیز از او به شدت می ترسند! به نوشته رویترز، کیشان در زمان برگزاری المپیک سال ۲۰۰۸، شهردار پکن بود و از سوی رئیس جمهور «شی» در سال ۲۰۱۲ ماموریت یافت با فساد مقامات دولتی مبارزه کند. پس از آن «وانگ» عنوان «شکارچی ببر» را در چین به خود اختصاص داد و به چهره ای قدرتمند تبدیل شد.

تحلیل روز

سید حسام رضوی

مدیر دفاتر خارجی خبرگزاری تسنیم

ترامپ، طالبان و تاریک ترشدن آینده افغانستان

نشریه گاردین در گزارشی فاش کرد، دونالد ترامپ از اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان خواسته است که برای مسدود شدن دفتر سیاسی طالبان در دوحه قطر تلاش کند. این نشریه در ادامه نوشته است، ترامپ با ادامه فعالیت دفتر سیاسی طالبان در دوحه مخالف است و آن را اقدام شکست خورده باراک اوباما برای ایجاد صلح در افغانستان می داند. گفته می شود ترامپ این درخواست را در دیدار با اشرف غنی مطرح کرده، اما رئیس جمهور افغانستان انتشار این خبر را بی پایه و اساس خوانده است. از سوی دیگر، دولت امارات اعلام کرده است که اگر آمریکا و افغانستان بخواهند، دوحه دفتر سیاسی طالبان را مسدود خواهد کرد. رفتارشناسی ترامپ در طول کمتر از یک سال حضور در کاخ سفید نشان داده است، وی تمایل دارد تصمیماتی بر خلاف آن چه در دولت اوباما اتفاق افتاده است، بگیرد بنابراین خیلی دور از ذهن نیست که خبر نشریه گاردین نیز صحیح باشد. با توجه به احتمال بالای صحت خبر گاردین، باید این اقدام ترامپ را تلاشی دیگر برای تیره تر کردن آینده سیاسی و امنیتی افغانستان دانست. گروه طالبان افغانستان، دفتر سیاسی اش را در قطر تنها مرجع رسمی خود برای مذاکره با کشورهای دیگر و همچنین مذاکرات صلح می داند. ملا هیبت ا... آخوندزاده، رهبر گروه طالبان نیز در آخرین پیام خود بار دیگر بر لزوم فعالیت و به رسمیت شناختن دفتر سیاسی این گروه در قطر تاکید کرده است. طالبان همچنین تاکنون برخی از اهداف خود را از طریق همین دفتر پیش برده است که از جمله مهم ترین آن ها می توان به آزادی تعدادی از زندانیان این گروه از زندان گوانتانامو اشاره کرد. ترامپ پس از روی کار آمدن در آمریکا، راهبرد جدیدش برای افغانستان را به عنوان یکی از مهم ترین تصمیمات سیاست خارجی اش اعلام کرد؛ تصمیمی که در آن بر اعزام نیروهای بیشتر آمریکایی به افغانستان اشاره شده است. همچنین پس از این تصمیم، بر حملات هوایی نیروهای آمریکایی در مناطق مختلف افغانستان افزوده شد که تاکنون به شهادت ده ها تن از مردم بی گناه این کشور منجر شده است. تصمیم ترامپ برای اعزام نظامیان بیشتر آمریکایی و افزایش تعداد حملات هوایی در افغانستان از همان ابتدا با واکنش تند گروه طالبان روبه رو شد و این گروه در واکنش به این تصمیم اعلام کرد که بر شدت حملات خود می افزاید و افغانستان را به گورستان نیروهای خارجی تبدیل می کند. این گروه همچنین با تاکید بر شروط سابق خود اعلام کرد، تا زمان حضور نیروهای خارجی در خاک افغانستان هرگز وارد پروسه صلح نخواهد شد. حال تصمیم ترامپ برای مسدود کردن دفتر سیاسی طالبان در قطر، بار دیگر امیدهای کم رنگ پیوستن طالبان به روند صلح افغانستان را به یأس نزدیک کرده است. آن چه از تصمیمات ترامپ برای افغانستان برمی آید این است که دولت جدید آمریکا هیچ برنامه مشخصی برای پایان نبردها در افغانستان ندارد و با سردرگمی به دنبال افزایش فشار سیاسی و نظامی بر گروه طالبان افغانستان است تا این گروه را به صلح وادار کند اما آن چه تجربه نشان داده، این است که تاکنون چنین تلاش هایی درباره طالبان افغانستان به نتیجه نرسیده است و آینده افغانستان را تیره تر از گذشته خواهد کرد.

اخبار

همزمان با تعلیق نتیجه همه پرسی استقلال

راخوی: کاتالونیا مشخص کند اعلام استقلال کرده است یا خیر؟!

هزاران نفر از مردم کاتالونیا، بیرون پارلمان منتظر خبر اعلام استقلال بودند. اما، کارلوس پوجدمون، رئیس دولت منطقه ای کاتالونیا، در سخنانی از پارلمان این منطقه خواست برای چند هفته نتیجه همه پرسی اخیر این منطقه را معلق کند تا امکان گفت‌وگو با دولت مرکزی اسپانیا فراهم شود. این شاید بسیار کمتر از انتظار مردمی بود که به همه پرسی پاسخ مثبت داده بودند. همزمان، ماریانو راخوی، نخست‌وزیر اسپانیا، پس از نشستی با هیئت وزیران از دولت محلی کاتالونیا خواست، رسما اعلام کند که «آیا اعلام استقلال کرده است یا خیر». راخوی گفت، سخنرانی کارلوس پوجدمون «وضعیت بلاتکلیفی» ایجاد کرده است که باید هر چه زودتر به آن پایان داد. در همه پرسی روز اول اکتبر (۹ مهر) در منطقه خودمختار کاتالونیا، ۹۰ درصد از رای دهندگان به استقلال این منطقه از اسپانیا رای موافق دادند. این در حالیست که تنها ۴۳ درصد از واجدان شرایط در این همه پرسی شرکت کردند. به نظر می رسد راخوی با اظهارات جدید خود اولین گام را برای فعال سازی بند ۱۵۵ قانون اساسی اسپانیا معروف به "گزینه هسته ای" برداشته است. این بند به نخست وزیر این امکان را می دهد تا خودمختاری سیاسی منطقه کاتالان را لغو کند و کنترل منطقه را به دست بگیرد.

در پی شکایت شورای امنیت ملی عراق

حکم بازداشت اعضای کمیساریای همه پرسی اقلیم کردستان صادر شد

دستگاه قضایی عراق، دستور بازداشت رئیس و اعضای کمیساریای عالی انتخابات در منطقه اقلیم کردستان، ناظر بر همه‌پرسی جدایی این منطقه را به دلیل نقض دستور دادگاه عالی فدرال، صادر کرد. این کمیساریا ۲۵ سپتامبر، همه پرسی جدایی از عراق را برگزار کرده بود. قاضی «عبدالستار بیرقدار» سخنگوی رسمی شورای عالی قضا، اعلام کرد که این حکم بر اساس شکایت ارائه شده از سوی شورای امنیت ملی عراق، پس از برگزاری همه‌پرسی و بر اساس ماده ۳۲۹ قانون مجازات صادر شده است. سخنگوی دفتر اطلاع رسانی نخست‌وزیری عراق نیز اعلام کرد که دولت اجرای حکم دستگیری رئیس و اعضای کمیساریای انتخابات در منطقه اقلیم کردستان را پیگیری خواهد کرد. وی در گفت‌وگو با «الغدپرس»، اظهار کرد: دستگاه قضایی عراق، دستور بازداشت ناظران بر همه‌پرسی جدایی منطقه کردستان را صادر کرده و فهرستی نیز از اسامی این ناظران تهیه شده است تا بر اساس قانون کشور، بازخواست شوند. دولت نیز بر اقدامی که بر عهده نیروهای امنیتی کشور است، نظارت خواهد کرد. بی تردید این افراد دیر یا زود دستگیر خواهند شد.

دوئل هوش ترامپ – تیلرسون

کارشناسان آی کیو: ترامپ در تست هوش مغلوب وزیر خارجه اش می شود

نبی شریفی- رئیس جمهور آمریکا، وزیر امور خارجه خود را به یک دوئل «تست آی کیو» دعوت کرده است اما کارشناسان مسائل مربوط به آی کیو معتقدند که این ایده خوبی نیست. دعوت «دونالد ترامپ» از «رکس تیلرسون» به چالش هوش در حالی صورت گرفته است که چند روز پیش ان.بی.سی نیوز با انتشار گزارشی نوشت که تیلرسون در نشستی ترامپ را «ابله» خوانده است. مجله فوربز به تازگی گفت و گویی با رئیس جمهور آمریکا انجام داده که ترامپ خبر «ابله» خوانده شدنش توسط همکار خود را دروغ دانسته و گفته است «اگر واقعا [تیلرسون چنین] گفته باشد، باید یک آزمون هوش بین ما برگزار شود. بعد خواهم گفت چه کسی برنده می شود.» جدال جدید ترامپ و تیلرسون در حالی است که پیش از این، بارها گزارش هایی از اختلاف نظرهای رئیس جمهوری و وزیر خارجه آمریکا منتشر شده بود و صاحب نظران سیاسی در آمریکا گاهی دولت را متهم کرده بودند که با یک صدا صحبت نمی کند. برای مثال ترامپ با زبان «تهدید» درباره کره شمالی حرف می زند و وزیر خارجه به دنبال «راه حلی دیپلماتیک» برای فرونشاندن روابط ملتهب دو کشور است. حتی یک بار ترامپ در حساب توئیترش درباره تلاش های وزیر خارجه برای گفت و گو با کره شمالی نوشت که او «وقتش را تلف می کند.» جوئل اشنایدر، یکی از استادان دانشگاه تمپل که درباره سنجش هوش مطالعه می کند، در مصاحبه با روزنامه ایندیپندنت گفته است: «من نیز می توانم به شما بگویم که چه کسی پیروز این رقابت خواهد بود!» وی با اشاره به تجارب پیشین رکس تیلرسون به عنوان مدیرعامل شرکت نفتی «اکسون موبیل» گفت: «من روی تیلرسون شرط می بندم. کمپانی های بزرگ همچون اکسون موبیل را عمدتا افراد کم هوش اداره نمی کنند.» همچنین، نیویورک تایمز هم قبلا گزارش کرده بود که تیلرسون از این که ترامپ نمی تواند اصول اولیه سیاست خارجی را یاد بگیرد، اظهار شگفتی کرده است. چند روز پیش سناتور باب کورکر، رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا که از حزب جمهوری خواه است، در جواب این سوال که چه کسانی مراقب اند کشور به ورطه بحران نرسد، از وزیر خارجه، وزیر دفاع و رئیس دفتر ترامپ نام برد اما از رئیس جمهوری چیزی نگفت.

■ ضریب هوشی چیست؟

ضریب هوشی (Intelligence Quotient) یا IQ امتیازی است که فرد بعد از شرکت در تست هوش می گیرد. تستی منحصر به فرد برای اندازه گیری ضریب هوشی وجود ندارد و منسا (Mensa) قدیمی ترین و معتبرترین انجمن تیزهوشان در دنیا، نتایج بیش از ۲۰۰ تست از جمله آزمون خودش را می پذیرد. بعضی تست ها یک ساعته هستند و بعضی دیگر زمان محدودی ندارند. به گزارش بی بی سی، دکتر فرانک لوییس، روان شناس ارشد در منسای آمریکا می گوید، تست هوش این انجمن عموما مهارت های هندسی، محاسباتی و لغوی فرد را اندازه می گیرد. به طور کلی سوالات هندسی درباره اشکال و ابعاد است، سوالات محاسباتی به ریاضیات مربوط می شود و سوالات لغوی به کلمات و این که مثلا شباهت یک کلمه به کلمه دیگر چیست. این در حالی است که ترامپ بارها کلمات را با غلط های املایی توئیت کرده است. منسا عضویت کسانی را می پذیرد که جزو دو درصد بالای کسب امتیاز ضریب هوشی هستند که کم و بیش به معنای داشتن ضریب هوشی معادل ۱۳۰ است.

■ باهوش ترین روسای جمهور آمریکا چه کسانی بودند؟

ترامپ در سال ۲۰۱۳ توئیت کرده بود که ضریب هوشی اش «بسیار بیشتر» از باراک اوباما و جورج دبلیو بوش، روسای جمهور قبلی آمریکاست. او حتی به روسای جمهور بسنده نکرده و مدعی شده از جان استیوارت کمدین و لرد شوگر، سرمایه‌دار و ستاره بریتانیایی برنامه تلویزیونی "اپرنتیس" هم ضریب هوشی بالاتری دارد. با این وجود ترامپ تا الان نگفته ضریب هوشی اش چقدر است. آیا می شود ضریب هوشی او را حدس زد؟ به گزارش بی بی سی، دکتر باربارا پری، مدیر مطالعات ریاست جمهوری دانشگاه ویرجینیا می گوید: «خاطرم نیست که تاکنون فهرستی از روسای جمهور و ضریب هوشی آن ها دیده باشم... ولی به راحتی می توانید فهرستی از روسای جمهور را پیدا کنید که در دوره دانشگاه عضو انجمن افتخاری "فی بتا کاپا" شده اند.» انجمن (Phi Beta Kappa) که در سال ۱۷۷۶ تاسیس شد، به «بهترین و درخشان ترین دانشجویان علوم و هنر در ۲۸۶ دانشگاه برتر در کل آمریکا» عضویت افتخاری می دهد. از ۴۴ رئیس جمهور، ۱۷ نفر عضو این انجمن بودند. بیل کلینتون، جورج بوش پدر و جیمی کارتر آخرین روسای جمهوری بودند که عضو این انجمن شدند. نام «وودرو ویلسون» به عنوان «تنها رئیس جمهوری که دکترا دارد» در این فهرست است. با این که ضریب هوشی هیچ رئیس جمهوری به صورت قطعی تایید نشده است، دانشگاه کالیفرنیا در سال ۲۰۰۶ برآورد کرد که جان کوینسی آدامز باهوش ترین رئیس جمهور آمریکا بوده است.

جدال بر سر ناسیونالیسم در آمریکا

امیرعلی ابوالفتح

جامعه آمریکا هم اکنون علاوه بر جدال های مرسوم و دیرینه توده ها با نخبگان، فقرا با اغنیا، سفید پوستان با رنگین پوستان و تازه واردها با قدیمی ترها، با جدال جدیدی مواجه شده است. این جدال اکنون میان طرفداران سیاست های چند نژادی آمریکایی با جریان رو به رشد ناسیونالیست استثناگرا آغاز شده است. نژادگرایان معتقدند که نژادها، اقوام و پیروان ادیان و مذاهب مختلف آمریکا را ساخته اند و برای حفظ قابلیت های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور، باید سیاست های چندنژادی همچنان ادامه یابد. از دید این گروه، همه اقوام، نژادها و مذاهب در آمریکا برابر هستند و نباید افراد را بر اساس رنگ پوست یا نژاد یا مذهب تفکیک کرد. ناسیونالیسم استثناگرا بر خلاف چند جانبه گرایان، بر تمایز نژادی و فرهنگی تاکید دارد و برای بخشی از جامعه و نه همه شهروندان آمریکا، امتیازات ویژه ای قائل است. استثناگرایان در مباحث هویتی، به نوعی جداسازی اجتماعی معتقد هستند. از دید بسیاری از آنان، آمریکایی واقعی کسی است که تبار انگلوساکسونی پروتستان مذهب داشته باشد و طبیعتا در نژاد سفید طبقه بندی شود. البته استثناگرایان بر یک نگرش استثنایی قائل هستند و آن این که نخبگان عمدتا مالی و ثروتمند دیگر گروه های نژادی و فرهنگی نیز می توانند از مزایای یک شهروند به اصطلاح واقعی آمریکایی برخوردار باشند. از نظر استثناگرایان، بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی جامعه آمریکا نظیر فقر، بی سوادی، بیکاری، جرم و جنایت و قانون شکنی، ریشه در رفتارهای افرادی دارد که غیرخودی یا غیر همگون معرفی می شوند. از این رو، ناسیونالیست های استثناگرا بر جدایی نژادی، کاهش ورود مهاجران قانونی، مقابله با ورود مهاجران غیر قانونی و احترام فراوان به سمبل ها و نشانه های ملی همچون پرچم و سرود ملی تاکید دارند. انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا نقطه عطفی در موضوع ناسیونالیسم آمریکایی بود. از یک سو، خیزش جریان های ناسیونالیستی و نژادگرا طی یک دهه گذشته سبب شد تا فردی همچون دونالد ترامپ با طرح شعارهای جنجالی و ملی گراپسند در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود و از سوی دیگر پیروزی ترامپ قوت قلبی بود برای ناسیونالیست هایی که بر استثناگرایی و جدایی نژادی تاکید دارند. ترامپ با شعار ملی گرایانه "آمریکا را دوباره شکوهمند بسازیم" وارد رقابت های انتخاباتی شد و در مراسم تحلیف خود شعار "اول آمریکا" را سر داد. در چنین فضایی، جریان های راست افراطی شامل برترپنداران سفید، ناسیونالیست های افراطی و نئونازی ها فرصت را مناسب دیدند تا به بهانه حفظ مجسمه ژنرال رابرت ئی لی، فرمانده ارتش ایالت های برده دار جنوبی در دوران جنگ داخلی، قدرت خود را به نمایش بگذارند. این نمایش قدرت به زدوخورد شدیدی میان ناسیونالیست های استثناگرا با هواداران سیاست های چند نژادی منجر شد و یک کشته برجای گذاشت. هم اکنون به دلیل نگرانی از رشد فزاینده جریان های افراطی و قدرت یابی ناسیونالیست های استثناگرا، نژادگرایان آمریکا نیز بر اقدامات خود شدت بخشیده اند. اگر سال گذشته فقط یک ورزشکار هنگام پخش سرود ملی به نشانه تبعیض نژادی از جای خود بلند نمی شد، امسال این تعداد به چندین نفر و در مسابقات مختلف گسترش یافته است. همچنین در حاشیه برخی تجمعات اعتراضی جنبش "جان سیاهان ارزش دارد"، پرچم آمریکا نیز به آتش کشیده شده است. از سوی دیگر در ماه ها و هفته های گذشته تلاش های حقوقی برای به چالش کشیدن فرامین ضد مهاجرتی دولت دونالد ترامپ انجام گرفته است. این شکایت ها در کنار تجمعات اعتراضی علیه تصمیم ترامپ برای از بین بردن رویای "رویا پردازان" نشان می دهد که به موازات اوج گیری تمایلات ناسیونالیستی استثناگرا در آمریکا، جریان حامی چند نژادی نیز در این کشور قدرت گرفته است و قصد دارد از حقوق کسب شده خود طی دهه های اخیر پاسداری کند. اگر این شکاف به طور مسالمت آمیز ترمیم نشود، می تواند در آینده ثبات اجتماعی آمریکا را به مخاطره افکند.

فتح و حماس طرح ۲۲ بندی برای تکمیل وفاق ملی را در قاهره بررسی کردند

نشست وحدت

نمایندگان دو جنبش فتح و حماس در پایان نشست خود در قاهره که در مقر دستگاه اطلاعات مصر برگزار شد، بیانیه‌ای صادر کردند و فضای حاکم بر این گفت‌وگوها را «مثبت» خواندند. در بیانیه مشترکی که در پایان این نشست صادر شد، آمده است، جنبش های فتح و حماس بنا به خواسته ملت فلسطین برای پایان دادن به دودستگی ها، تحقق وحدت ملی و تقویت پایداری ملت فلسطین، این نشست را برگزار کردند. به نوشته روزنامه القدس العربی، برخی منابع خبری از طرح ۲۲ بندی قاهره برای تکمیل آشتی فلسطینیان در مرحله بعد خبر دادند که از جمله این بندها اهتمام آمریکا و مصر برای برگزاری کنفرانس بین المللی شرم الشیخ با حضور مقامات عربی و بین المللی است و پس از آن روند مشخصی برای احیای وحدت در کرانه باختری و نوار غزه و سازماندهی روند انتخابات آغاز خواهد شد. فتح و حماس، دو گروه رقیب در سرزمین های فلسطینی، در حالی مذاکرات سه‌روزه خود را در قاهره، پایتخت مصر آغاز کردند که نشانه‌های اختلافات آتی را می شد پیش از آغاز این گفت‌وگوهای پرهیاهو هم دید. رهبر گروهی از نمایندگان حماس در این مذاکرات کسی است که پیشتر به سرنگون کردن دولت محمود عباس، رئیس دولت فتح، متهم شده بود اما اگر چالش ها و موانع حل و فصل شود، این مذاکرات که با میانجی گری مصر آغاز شده است، ظرفیت این را دارد که به اختلافات یک دهه‌ای و بعضا خونین این دو گروه پایان دهد و نقشه سیاسی منطقه را از نو ترسیم کند. این مذاکرات یک هفته پس از سفر رامی حمدا...، نخست‌وزیر حکومت وفاق میهنی فلسطین، به نوار غزه آغاز شد که در آن، حمدا... مقدمات انتقال مسئولیت های حماس به دولت وحدت ملی را فراهم می کرد. به گزارش الجزیره، ریاست هیئت نمایندگان حماس را صالح العروری بر عهده دارد و عزام الاحمد هم مسئول هدایت هیئت فتح است. مسائل دیگری مانند بحران برق غزه، دستمزد کارمندان دولتی در غزه، امنیت و مدیریت گذرگاه‌ها هم در دستور کار است. در چند ماه گذشته، محمود عباس حماس را تحت فشار قرار داد تا کنترل نوار غزه را از این گروه پس بگیرد. یکی از اقدامات تنبیهی عباس که همزمان مردم غزه را هم تحت فشار قرار می داد، کاهش انتقال برق بود. از سوی دیگر، عباس در ماه‌های اخیر دستمزد کارمندان دولتی غزه را هم قطع کرده بود. از همین رو، بسیاری امیدوارند این تلاش ها موفقیت آمیز باشد تا دست کم بحران انسانی کنونی غزه برطرف شود. با وجود میانجی گری های اخیر مصر برای پایان دادن به بحران دیرینه دو طرف، چندین مانع احتمالی، می تواند رسیدن به توافق برای تشکیل دولت وحدت ملی را دشوار کند. به باور تحلیل گران، یکی از موانع پیشِ‌رو، تمایل حماس برای مقاومت نظامی برابر اسرائیل است. هفته گذشته، محمود عباس از حماس خواست سلاح‌های خود را زمین بگذارد. او در گفت‌وگو با تلویزیون مصر خواستار «یک کشور، یک رژیم، یک قانون و یک سلاح» شد. با این حال، حماس در مناسبت‌های مختلف تأکید کرده است، مسئله مقاومت مسلحانه قابل بحث نیست. به گفته حماس، نیروهای مسلح برای حفاظت از فلسطینی ها و آزاد کردن سرزمین خود، در این منطقه حضور دارند. حماس از سال ۲۰۰۷ و پس از موفقیت در انتخابات پارلمانی، کنترل غزه را بر عهده گرفت. پس از شکست فتح در انتخابات پارلمانی، حماس پس از یک درگیری خونین، فتح را از غزه بیرون راند و اختلاف‌ها از همان زمان آغاز شد و تلاش‌ها برای پایان دادن به این اختلاف‌ها هم راه به‌جایی نبرد. در این یک دهه، حماس کنترل نوار غزه را بر عهده داشته است و فتح، کرانه باختری را. به باور «ابراهیم ابراش»، وزیر فرهنگ سابق غزه، حل‌وفصل برخی مسائل به‌ویژه شیوه برخورد دو گروه با اسرائیل، زمان‌بر است اما ادامه چنین وضعیت هولناکی در غزه دیگر امکان‌پذیر نیست. به گفته ابراهیم ابراش، اگرچه فتح درباره برگزاری انتخابات ریاست جمهوری جدی است اما این نگرانی وجود دارد که اسرائیل مداخله کند. دوره ریاست جمهوری عباس سال ۲۰۰۹ به پایان رسیده اما از آن زمان انتخابات برگزار نشده است. ابراش می گوید: «آخرین باری که حماس در انتخابات شرکت کرد، سال ۲۰۰۶ بود و در آن زمان رژیم صهیونیستی گروهی از نمایندگان حماس را بازداشت کرد. باید تضمین های عربی و بین المللی برای پیش‌رفتن آرام امور وجود داشته باشد».

خاطرات تکان دهنده ۲ روان شناس شکنجه گر از زندان سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا

شکنجه گاه سیا

درباره شکنجه‌های آژانس اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا)، در سراسر جهان بسیار نوشته اند اما اطلاعات محرمانه ای که به دلیل طرح دعوی قربانیان یکی از زندان های مخفی این سازمان در نزدیکی کابل، پایتخت افغانستان، افشا شده است، از جزئیات هولناکی در این باره حکایت دارد. پنتاگون و سازمان سیا پس از طرح دعوی قربانیان «شکنجه پیشرفته»، مجبور شدند اسنادی را از طبقه‌بندی محرمانه خارج کنند که گویای وجود اتاق های شکنجه سازمان سیا در زندانی مخفی در حوالی کابل است. به گزارش گاردین، این زندان شامل ۲۰ سلول بوده است که زندانیان در آن جا با غل وزنجیر به حلقه‌هایی در دیوار بسته شده بودند. در این میان، چهار اتاق به‌طور خاص برای محرومیت از خواب طراحی شده بود. سلول ها گرم نبود، شب و روز تاریک بود و صدای تیک تاک ساعت مدام پخش می شد. با وجود این شرایط دهشتناک، جان جسن، روان‌پزشکی قراردادی که برای طراحی تکنیک‌های این اتاق های شکنجه استخدام شده بود، در ژانویه ۲۰۰۳ و دو ماه پس از بازجویی از یک زندانی به نام «گل رحمان»، در پاسخ به بازرسان سازمان سیا، فضای این زندان را «بسیار خوب» اعلام کرد و در توصیف این شکنجه گاه چنین گفت: «ناخوشایند اما امن». گاردین در ادامه گزارش خود نوشته است: جسن، یکی از دو روان‌شناسی که برای طراحی «تکنیک های بازجویی پیشرفته» استخدام شده بودند، در نوامبر ۲۰۰۲، ۱۰ روز را در این زندان مخفی سپری کرده است. پنج روز پس از خروج او از زندان، گل رحمان که از کمر به پایین برهنه و به زمین بتونی سرد زنجیر شده بود، به دلیل هیپوترمی (پایین بودن ناهنجار حرارت بدن) جان داد. در ماه آگوست، خانواده گل رحمان و محمد بن سعود و سلیمان عبدا... سلیم، دو بازمانده زندان مخفی افغانستان، دعوی ای را علیه جسن و جیمز میچل، دو طراح شکنجه سازمان سیا، در دادگاه اقامه کردند. میچل و جسن باز دو بند توانستند از به راه افتادن دادگاهی افشاگرانه جلوگیری کنند اما در نهایت سازمان سیا و پنتاگون مجبور شدند اطلاعات محرمانه در این باره را از حالت محرمانه خارج کنند. این اسناد کامل ترین تصویر را از آن چه بر این سه مرد در شکنجه گاه سازمان سیا رفته بود، نمایان کرد. این اسناد و مصاحبه‌هایی با جسن و افسر جوان سازمان سیا (مدیر این شکنجه گاه) که به اسناد پیوست شده است، از تصمیماتی پرده برمی دارد که به مرگ یکی از زندانیان، تنها ۶۹ روز بعد از به راه افتادن این دم و دستگاه منجر شده است. بر اساس تحقیقات صورت گرفته، این مکان در سپتامبر سال ۲۰۰۲ آغاز به کار کرده و ظرفیت آن در یک ماه، به حد نصاب رسیده است. مدیر این زندان هیچ تجربه‌ای در این زمینه نداشته و تا سه روز بعد از ورودش به این مکان، نمی دانسته قرار است مدیریت این زندان را بر عهده داشته باشد. یافته‌های قبلی، نقش این فرد را در مدت بازداشت گل رحمان برجسته می کند اما اسناد جدید نشان می دهد اگر جسن در همان زمان وارد زندان نمی شد و نقش مستقیمی در بازجویی های گل رحمان ایفا نمی کرد، این زندانی شاید حالا زنده بود. جسن که شش بار در دو هفته از گل رحمان بازجویی کرده و میچل که یک بار این زندانی را دیده بود، در دادگاه مدعی شدند که تلاش کرده بودند، شرایط سخت گل رحمان را کاهش دهند اما تحقیقات نشان می دهد، تصمیم گیری درباره این که گل رحمان تحت بازجویی شدید قرار بگیرد یا نه، بر عهده جسن بوده است. نگهبانان به مأمورانی که درباره این پرونده تحقیق می کردند، گفته بودند، گل رحمان همواره از کمر به پایین برهنه بوده و فقط پوشکی به پا داشته است. جسن متوجه اثر فیزیکی این شرایط بر این زندانی بوده است و به گفته خودش، وقتی گل رحمان بعد از دوش سردی که تکنیکی برای محرومیت حسی بوده، شروع به لرزیدن کرده، او متوجه علائم اولیه هیپوترمی شده است. با این وجود، جسن در زمان ترک زندان به مدیر زندان گفته بود برای شکستن مقاومت گل رحمان باید با محرومیت های حسی بیشتری او را تضعیف کرد. او در مصاحبه ژانویه ۲۰۰۳ خود، به بازرسان گفته بود: «او به لحاظ جسمی قوی است. زدن او فایده‌ای ندارد. شما باید او را به لحاظ جسمی و روحی خسته کنید. چند ماه طول می کشد تا او به مرحله همکاری برسد». با این حال، گل رحمان پنج روز بعد جان خود را از دست داد. مرگ گل رحمان پایان تکنیک های ابداعی جسن و میچل برای شکنجه زندانیان عضو القاعده نبود. در ماه‌های بعد، زندانی های دیگری مانند محمد بن سعود و سلیمان عبدا... سلیم هم با همین تکنیک ها شکنجه شدند؛ هرچند آن ها توانستند جان سالم به در ببرند. بسیاری از افسران سازمان سیا که در برنامه شکنجه شرکت داشتند، بعدها از سوی میچل و جسن استخدام شدند و سال ها بعد از پایان این طرح، برای طرح‌های شکنجه میلیون ها دلار از سازمان سیا پول گرفتند. دو روان شناس مبدع تکنیک‌های فجیع شکنجه، ماه گذشته و ۱۵ سال پس از آن که گل رحمان در سلولی تاریک منجمد شد، در دادگاه به دلیل سوءاستفاده از گل رحمان، محمد بن سعود و سلیمان عبدا... سلیم ابراز تأسف کردند اما مسئولیت بدرفتاری علیه آن ها را بر عهده نگرفتند.

اظهار نظر روز

الیوت کوهن:

پایان عصر آمریکا با ترامپ

عضو شورای مشاوران آکادمیک مؤسسه آمریکایی اینترپرایز در یادداشتی که مجله آتلانتیک آن را منتشر کرد، نوشت: قدرت های بزرگ، نظم دیرینه جهان را تحت فشار گذاشته بودند، به طوری که قدرت تولیدی چین به بیش از نیمی از ظرفیت تولیدی آمریکا افزایش یافته بود (هزینه های دفاعی شان نیز به همین ترتیب بود). روسیه ناراضی با رهبری یک رئیس جمهور توانمند و تندرو ظهور کرده بود و همزمان بارکود مالی سال ۲۰۰۸، موج فزاینده پوپولیستی (که هم اکنون ترامپ خود بخشی از آن محسوب می شود)، آشوب خاورمیانه و مشکلات اقتصادی در سراسر جهان بالا گرفته و نیز اعتبار نخبگان غربی تضعیف شده بود. این مشکلات با تخریب اعتبار رهبران نسل پیشین آمریکا دوچندان شد. چنان که جنگ دولت بوش علیه افراط گرایان با گزارش های سوءرفتار و شکنجه تا حد زیادی تضعیف شد، کارزار افغانستان به ثمر نرسید و از تهاجم به عراق نیز با توجه به سوءمدیریت در سه سال نخست و فرضیه های دروغین، به شدت انتقاد شد. سیاست دولت اوباما نیز اوضاع را ابدتر کرد. آمریکا به‌طور کلی در جنگ سوریه منفعل بود. این اوضاع، برای یک جانشین کاردان و هوشمند مشکلاتی جدی محسوب می شد و این در حالی بود که مردم آمریکا رئیس جمهوری را انتخاب کردند که دیوار کشی در مرز جنوبی، برچیدن توافقات دیرینه تجاری با رقبا و شرکا، روابط نزدیک با ولادیمیر پوتین و منع ورود مسلمانان به آمریکا را وعده می داد. ضمن آن که به نظر می رسد ترامپ قادر به خودداری از توهین به رهبران خارجی نیست. شعار او با عنوان «نخست آمریکا»، به انزواطلبی سال ۱۹۴۰ برمی گردد و رهبران جهان از این امر آگاه هستند. ترامپ می تواند از روی متن سخنرانی نوشته شده، صحبت کند، اما جهان بینی او فراتر از یک نوجوان، نیست. شاید رهبران جهان ترامپ را مایه نگرانی قلمداد کنند اما وی را جدی نمی گیرند. آن ها فکر می کنند که می توانند از ترامپ استفاده کنند اما در عین حال می دانند که نمی توان به وی اعتماد کرد. اولین سفر خارجی ترامپ از عربستان سعودی آغاز شد. در آن جا ترامپ و مشاوران ارشد وی به تعریف و تمجید مبالغه آمیز از این پادشاهی پرداختند، در حالی که این کشور کانون افراط گرایی در جهان است. در اروپا، دولت ترامپ با مهم ترین دولت دموکراتیک این قاره، یعنی آلمان، سر جنگ دارد. مهم ترین متحد دیرینه آمریکا، یعنی انگلستان نیز از ترامپ متنفر شده است و ظاهرا وی تا بهبودی وجهه رسانه ای خود از سفر به انگلیس امتناع می کند. شرایط آمریکا در آسیا بهتر نشده است و ممکن است بدتر شود. اگرچه کره شمالی در آستانه تولید موشک بالستیک بین قاره ای با توانایی حمل کلاهک هسته ای قرار دارد اما ترامپ نتوانسته است متحدان آمریکا را برای مقابله با این مشکل بسیج کند. مشاوران وی ادعا می کنند که راه حل را یافته اند و آن هم اما مداخله و میانجی گری چین است، غافل از این که این قمار در دولت های کلینتون، بوش و اوباما شکست خورده بود. درباره مسائلی که واقعا از مقیاس جهانی برخوردار هستند، ترامپ رهبری آمریکا را واگذار کرده و این کشور با خروج از توافق پاریس، خود را در موضوع تغییرات اقلیمی به انزوا کشانده است. ترامپ یاد نخواهد گرفت، میانه روی نخواهد کرد و رفتارش طبیعی نخواهد شد. علاوه بر رفتار آشفته رئیس جمهور، با گذشت هرچه بیشتر زمان حضور ترامپ در کاخ سفید، وی به توصیه های مخالف با نظرات بی اعتنا تر هم خواهد شد. ترامپ بی ثبات، مبهم و تحریک پذیر است و تا آخر هم احتمالا همین گونه باقی خواهد ماند. او هنگامی به ضعف خود پی می برد که با بحران مواجه شود زیرا هیچ کس وعده ها یا تهدیدهای وی را جدی نمی گیرد. این فصل خطرناک و تحریک کننده در تاریخ آمریکا بعد از هشت یا چهار سال یا شاید اگر ترامپ طبق متمم قانون بیست و پنجم کنار گذاشته شود، در عرض دو یا حتی یک سال به پایان خواهد رسید. اما بعد از آن چه خواهد شد؟ آیا آمریکا در عرض چند سال احیا خواهد شد؟ وینستون چرچیل گفته است که برای انجام کار درست، پس از بررسی گزینه های دیگر می توان روی آمریکا حساب کرد. اما پس از پیروزی مردی مثل ترامپ دیگر چه کسی روی آمریکا حساب می کند؟ دیگر کشورها، انتخاب ترامپ را به عنوان تخلف آمریکا از نقش خود به عنوان مدافع نظم جهانی تفسیر می کنند. به هر حال واقعیت همین است. ترامپ یک اتفاق تاریخی نیست، بلکه از لحاظ منطقی باید سیاست خارجی او را بازتابی از نگرش برخی از مردم آمریکا درباره جهان بیرون قلمداد کرد. البته یک بار دیگر، انعطاف پذیری و مقاومت شگفت انگیز آمریکا ممکن است آن را نجات دهد، به‌ویژه اگر ترامپ اولین دوره خود را به پایان نرساند. اما سناریوی محتمل این است که ترامپ نهادهای کلیدی دولتی را فاسد یا تضعیف، در دستگاه سیاست خارجی آمریکا دودستگی ایجاد و موضع آمریکا در جهان تخریب خواهد کرد. فقدان اعتماد به آمریکا به همراه ظهور قدرت های غیر دموکراتیک، جنبش های پوپولیستی چپ گرا و راست گرا و فروپاشی دولت ها، جهانی است که خیلی از آمریکایی ها آن را به یاد نمی آورند. این جهان به اواخر دهه ۱۹۲۰ یا اوایل دهه ۱۹۳۰ که بی نظم و بی ثبات بود، شبیه است و آینده بدتری نیز پیش رو دارد.

اندیشکده روز

بردگان جنسی، تجارت جدید تروریست ها

اندیشکده هنری جکسون نوشت: گروه‌های تروریستی از جمله داعش و بوکوحرام با توجه به این که منابع مالی آن ها از فروش نفت و مالیات به پایان رسیده است، به عملیات گروگان گیری و فروش برده‌های جنسی برای کسب درآمد روی آورده اند. بر اساس تحقیقات انجام شده، ربودن انسان ها حدود ۱۰ تا ۳۰ میلیون دلار در سال گذشته برای داعش درآمد داشته است. این مطالعه بر اساس اظهارات قربانیان از جمله یک دختر ۱۰ ساله لیبیایی است که بارها قاچاقچیان انسان به او تجاوز کرده اند و اکنون در یک کمپ ساکن است. تروریست ها همچنین از جرایم سازمان یافته مانند پول شویی، قاچاق مهاجران، قاچاق انسان، مواد و اسلحه استفاده می کنند.